

جلسات «شورای همکاری» اتحادیه اروپا با اسرائیل، پس از ۱۰ سال از سر گرفته می شود

بایدن؛ حلقه اتصال بروکسل - تل آویو



فرشاد گلزاری



از زمان سفر جوبایدن، رئیس جمهوری آمریکا به اسرائیل و عزیمت او به عربستان سعودی، میزان و حجم اخباری که از سوی رسانه‌های اسرائیل و همچنین رسانه‌های عربی و آمریکا منتشر شده به شکل بی سابقه‌ای افزایش داشته است. از حیث شکلی شاید انتشار این میزان اخبار کاملاً عادی به نظر برسد اما از منظر ماهوی باید گفت که این روند نشان دهنده وجود یکسری از توافقاتی است که یا به صورت علنی اعلام نشده یا اینکه اجزای آن در قالب چندین رویداد خرد در حال مخابره است. به عنوان مثال ماجرای توافق مصر و عربستان بر سر انتقال دائمی دوجزیره تیران و صنایع به ریاض از سال‌های پیش مطرح بود اما زمانی که بایدن وارد منطقه شد این توافق قطعی قلمداد شد و دلیل آن کنشگری اسرائیل برای تامین منافع خود از این توافق دو جانبه بود. تمام رسانه‌های دنیا به خصوص رسانه‌های رژیم صهیونیستی در مخابره این خبر ذرات تل تل نکرند اما تل آویو خبر را اینگونه به سماع و نظر دنیا رساند که این توافق باعث می شود تا کشتی‌های اسرائیل در تنگه تیران که سال‌ها سال لغو شده بود، مجدداً فعال شود. اینکه تبعات شروع کشتی‌های اسرائیل در تنگه تیران که نزدیکترین نقطه به بندر ایلات این رژیم به حساب می آید، چه خواهد بود چندان مهم نیست اما ماهیت آن بدون تردید نشان می دهد که ریاض و تل آویو در این مورد بسیار مهم با هم هماهنگ هستند و سایر کشورهای عربی منطقه هم در این میان مجبورند که منافع اسرائیل را تامین کنند. در سوی دیگر این ماجرا توافقاتی است که هم در مرحله عملیاتی شدن بوده یا هستند که فعلاً هیچ خبر مشخصی از آنها به بیرون درز نکرده است اما آنچه در این میان باید

اینکه چرا پس از سفر بایدن به اسرائیل و رام الله و دیدارش با رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین؛ مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به فکر خارج از جلسات دو جانبه میان اسرائیل و اتحادیه اروپا افتاده، دلیلی ندارد دز کسب منافع منطقه‌ای ذیل سایه واشنگتن

خبرنگار آمریکایی - فلسطینی الجزیره از نظر بروکسل تمام شده است! توجه داشته باشید که اسرائیل در سال ۱۹۹۵ توافقنامه‌ای را امضا کرد که در آن «قشه راه روابط تل آویو با اتحادیه اروپا» به صورت علنی تعریف شده بود و در نهایت این توافق نامه در سال ۲۰۰۰ میلادی به تصویب نهایی رسید و از آن تاریخ هر دو طرف با هم از تباطات تنگتنگ سیاسی، امنیتی و اقتصادی دارند. نکته دیگر که اهمیت این جلسات را دو برابر می کند این است که مقامات اسرائیل و اتحادیه اروپا آخرین بار در سال ۲۰۱۲ با یکدیگر دیدار کردند و از آن تاریخ تاکنون حدود ۱۰ سال است که طرفین پای میز مذاکره نیامده‌اند. اینکه چرا حالا پس از سفر بایدن به اسرائیل و رام الله و دیدارش با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین؛ مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به فکر شروع جلسات دو جانبه میان اسرائیل و اتحادیه اروپا افتاده، نشان می دهد که در پشت صحنه این تحولات اگر هم ایالات متحده به رهبری بایدن حضور مستقیم نداشته باشد، باز هم اروپایی‌ها به دنبال آن هستند که در کنار واشنگتن تحکیم روابط با تل آویو را در دستور کار خود قرار دهند که این تعامل بدون شک صرفاً در مساله فلسطین نخواهد بود و مابقی مسائل منطقه را هم در بر خواهد گرفت.

اروپا و اسرائیل تبدیل شد. حالا اما بار دیگر اروپایی‌ها به این فکر افتاده‌اند که همانند گذشته به سمت مشارکت علنی با اسرائیل گام بردارند. در همین راستا جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز گذشته (سه‌شنبه) اعلام کرد که شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا، تصمیم گرفته تا جلسات «شورای همکاری» با اسرائیل، از سر گرفته شود. او در کنفرانس مطبوعاتی پس از دیدار با ۲۷ وزیر خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا اعلام کرد که موضوع اتحادیه اروپا در رابطه با روند صلح خاورمیانه تغییری نکرده و ما همچنان پیرو نتایج به دست آمده شش سال در ۲۰۱۶ هستیم که از راه حل دو دولتی در منطقه حمایت می‌کنیم. برخی کارشناسان مسائل اروپا اعلام کرده‌اند که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن می‌دانند که وضعیت در سرزمین‌های فلسطینی رو به وخامت است، بنابراین وزیران اروپایی توافق کردند تا در جلسات مشترک شورای همکاری فرصتی برای تعامل با اسرائیل در مورد مسائل فلسطین پیدا کنند. در این میان باید توجه کرد که اتحادیه اروپا به دلیل کشته شدن شیرین ابوعلقه، روزنامه‌نگار الجزیره، برگزاری نشست بین اسرائیل و اتحادیه اروپا را متوقف کرده بود و حالا اظهارات بورل به صورت علنی نشان می‌دهد که پرونده قتل

وقت اروپا داشت اما در نهایت آنها توسط دولت‌های خود و به توصیه اسرائیل و آمریکا ریشه کش شدند اما هنوز هم مشی ضد اسرائیلی (حتی به ظاهر) در برخی کشورهای اروپایی و جریانات سیاسی آنها دیده می‌شود. اروپایی‌ها از دیدار با اشغال سرزمین فلسطین به دست اسرائیلی‌ها مخالف بوده و طی سال‌های گذشته هم سعی کرده‌اند هر از گاهی در دفاع از فلسطین بر خیزند و همین موضوع به بهانه‌ای برای ارتباط مستقیم تر میان اسرائیل تبدیل شد

شک مساله روند صلح خاورمیانه یکی از آنها به‌شمار می‌آید. **مشارکت با اسرائیل پس از یک دهه!** شاید به یاد داشته باشید که در سال‌های دور، چپ‌اندیش‌های حاضر در اروپا به دنبال آن بودند تا با استفاده از اهرم‌های مختلف، اسرائیل و آمریکا را در چارچوب مبارزه با امپریالیسم تحت فشار قرار دهند. این روند تبعات گزافی برای دولت‌های

قرار دهند که یک‌سر آن مسکو ایستاده و در سوی دیگر، ایالات متحده واقع شده است. آنها به خوبی می‌دانند که برای زنده ماندن در عالم سیاست باید به هر روشی که شده چارچوب‌های جدیدی برای خود بسازند و با ورود به پرونده‌های گوناگون بتوانند شانه‌ها به شانه ایالات متحده، چین و روسیه حرکت کنند. بر همین اساس اروپایی‌ها علاوه بر مشارکت در سناریوهای منطقه‌ای در قالب ناتو، سعی دارند به صورت انفرادی هم وارد امر تمرکز خود را بر رها شدن از مشکلاتی

مورد توجه قرار بگیرد این است که حالا اروپایی‌ها هم بعد از سفر بایدن به منطقه، سعی می‌کنند تا فعال تر عمل کنند و واقعیت غیر قابل کتمان این است که اروپایی‌ها در شرایط کنونی به صورت چندوجهی درگیر پرونده‌ای با نام «جنگ اوکراین» هستند. درگیری در زمینه‌های اقتصاد و همچنین کمبود انرژی و تورم و بالا رفتن تهدیدات سرزمینی از ناحیه روسیه، اروپایی‌ها سعی کرده‌اند تا در شرایط کنونی بخش اعظمی از تمرکز خود را بر رها شدن از مشکلاتی

شهره‌هاست یادداشت

مساله اجتماعی را به قطبی سازی امنیتی تبدیل نکنیم



نادر صدیقی

نزاع در آن بی‌ارتسی در واقع نوعی «نزاع تصویری» است. یکی می‌گوید فیلم را نشان امنیتی‌ها خواهد داد و دیگری می‌گوید همین رفتار را نشان «تمام دنیا» خواهد داد. در جهان جهانی شده توسط فناوری ارتباطی، اصل «پدید شدن» یعنی فضای رویت پذیری حالتی جهانی به خود گرفته و دیگر یک طرفه نیست. یعنی از دوران مشاهده گر تسکویه و «سراسر بین» که همه چیز را می‌بیند بی‌آنکه خود دیده شود، عبور کرده‌ایم. دنیا ما را می‌بیند و ما خدای‌های دنیا را چنان می‌بینیم که گویی در کوچه و محله ما رخ داده است. ای کاش تلویزیونی داشتیم که آن دوزن هموطن را در زیر یک سقف گفتگویی، هم‌مباحثه می‌کرد.

این یک مسئله اجتماعی است و نه سپاهی امنیتی پلیسی و باید در سطح مناسبات میان سبک‌های مختلف زیستی حل شود. به محض اینکه یک مسئله اجتماعی تبدیل به امری امنیتی شود به قلمرو تارک و خطر ناک عدم تمایز میان خشونت و قانون و حقوق وارد خواهیم شد. بگذاریم زبان با یکدیگر گفتگو کنند. جامعه دارد چند زبانی، چند فرهنگی و متنوع می‌شود. این چند فرهنگی از آن رو کامل تر و بهتر از مراحل بدوی تکوین هویت ملی خواهد بود که متضمن تنوع بیشتری در عین وحدت ملی است. از مطهری آموخته‌ایم در گذار

زبانی یک کشور می‌تواند ثروت آن کشور به حساب آید، برعکس، آنها میان هویت ملی و تک تیپ بودن زبانی و یا فرهنگی و سبک پوشش همسان سازی می‌کردند. در واقع این نه هویت ملی زیسته شده در قرون تمدنی ایران و اسلام بلکه هویت الگوبرداری شده از مدل‌های فاشیستی زمانه بود که تکثر کمتر فرهنگی و زبانی و زیستی را موجب انسجام بیشتر هویت ملی می‌دانست. به عنوان مثال فردی مثل محمود افشار به رغم تحصیل در سوئیس، بر این باور بود که کاخ ملیت در آن قبیل کشورهای چند فرهنگی



از نا پایدار خواهد بود و ملی بودگی حقیقی و پایدار یعنی انحلال همه زبان‌ها و هویت‌ها و سبک‌های زیستی در یک مدل واحد و تکوار: «منظور از کامل کردن وحدت ملی این است که... اختلافات محلی از حیث لباس، اخلاق و غیره محو شود! او ملوک الطوائفی کاملاً از میان برود؛ کرد و لر و قشقایی و عرب و ترک و تر کم و غیره با هم فرقی نداشته، هر یک به لباسی ملبس و به

متزلزل و نا پایدار خواهد بود و ملی بودگی حقیقی و پایدار یعنی انحلال همه زبان‌ها و هویت‌ها و سبک‌های زیستی در یک مدل واحد و تکوار: «منظور از کامل کردن وحدت ملی این است که... اختلافات محلی از حیث لباس، اخلاق و غیره محو شود! او ملوک الطوائفی کاملاً از میان برود؛ کرد و لر و قشقایی و عرب و ترک و تر کم و غیره با هم فرقی نداشته، هر یک به لباسی ملبس و به

آب گرم لامرد؛ ظرفیت مغفول مانده و نیازمند حمایت



احتمالاً با ریم و فلور نیز دارا است و به نحوی که رنگ‌های سبز قرمز زرد خاکستری و قهوه‌ای مشاهده می‌شود. برای مشخص کردن نوع و تیپ آب معدنی موجود، باید یک طرح مطالعاتی قوی تعریف و اجرایی شود که تاکنون اقدام جدی صورت نگرفته است اما وجود گاز سولفید هیدروژن به وضوح قابل استشمام است. این گاز بی‌رنگ، سیمی و آتشگیر که بوی آن شبیه به بوی تخم مرغ فاسد و به صورت گاز فاضلاب و متعفن همراه با ایجاد خفقان شناخته می‌شود. این گاز از طریق ممانعت در عملکرد آنزیم و سیتوکروم اکسیداز مانع جذب اکسیژن می‌گردد. تماس کوتاه مدت (حاد) با سولفید هیدروژن باعث ایجاد سوزش و حساسیت در حلق، بینی، چشم و ریه‌ها می‌شود. تماس با غلظت‌های بالاتر آثار جدی بر سلامت به جا گذاشته و منجر به مرگ می‌شود که چشمه آب معدنی گرم آباد لامرد نیز دارای گاز سولفید هیدروژن بوده و تاکنون به علت نبود امکانات و آشنایی نداشتن مراجعین با نوع گاز موجود، سبب مرگ بسیاری از استفاده‌کنندگان شده است. این چشمه و اطراف آن دارای ویژگی‌های طبیعی بسیاری است، تالاب زیبایی در نزدیکی آن قرار دارد که مقصد مناسبی برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت گردشگری به شمار می‌آید. چشمه آب گرم معدنی لامرد با توجه به ویژگی‌های گفته شده، از نظر درمان درد مفاصل و استخوان نیز مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی از حوزه کشورهای خلیج فارس بوده که حال با توجه به نبود امکانات مناسب رفاهی - ورزشی و سکونتگاه و بی‌توجهی به این ظرفیت طبیعی و خدادادی مغفول مانده است. انتظار می‌رود تا وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان متولی اصلی همراه با صنایع لامرد از جمله کارخانه سیمان، منطقه ویژه اقتصادی، مجتمع صنایع آلومینیوم نبضی که نسبتاً هم‌جوار با این چشمه هستند و همچنین مشارکت سایر صنایع و سرمایه‌گذاران؛ این ظرفیت طبیعی را برای توسعه صنعت توریسم و استفاده خانواده کارکنان صنایع و عموم شهروندان احیا کند.

مر ترضی عبدالزهاده در راستای ارتقای صنعت توریسم و جلوگیری از فوت هموطنان در چشمه آب گرم لامرد جنوب فارس، ساخت یک مجموعه رفاهی - ورزشی و استقرار سایر امکانات ضرورت دارد که تاکنون احیای این ظرفیت طبیعی مغفول مانده است. به گزارش خبرنگار ایلنا از لامرد، چشمه آب گرم (آوباد AOWBAD) لامرد فارس (با مختصات ۲۳°۳۰'۷۳.۶۶۱۰X و ۲۵°۲۵'۳۰.۲۵۳۱۹Y) حد فاصل روستای کرزا - کارخانه سیمان لامرد - روستای کَشکو و در فاصله ۲۰ کیلومتری از مرکز شهر لامرد واقع شده است که علاوه بر قابلیت‌های گردشگری، خواص معدنی و درمانی نیز دارد. بااستناد به گزارش استعدادهای سال ۱۹۹۹ اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لامرد، این چشمه آب گرم در تمامی فصل‌های سال، پذیرای گردشگران است و دارای مواد معدنی و گاز سولفید هیدروژن (SH₂) که کیفیت آب آن اسیدی با PH=6.4 و قابلیت هدایت الکتریکی آن برابر با EC=8800 میکروموموس بر سانتیمتر مربع است و دمای متوسط آن ۳۰ درجه سانتی‌گراد بوده و از این لحاظ در زمره چشمه‌های آب گرم معدنی قرار دارد. نوع چشمه به طور احتمال گسلی است و در محل آبرفت‌های دوره کوتاه تر رخنمون شده است و از لحاظ ساختار به صورت زهکشی و به لحاظ ابدی دائمی و از لحاظ کیفیت معدنی است. میزان متوسط دبی اندازه‌گیری شده براساس آخرین آمار برداری شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس در حد قابل حد اکثر ابدی حدود ۱.۲۵ در ابتدای فصل زمستان تا ۵ لیتر در ثانیه در میانه فصل بهار می‌باشد. تصاویر ماهواره متوالی حدود ۴ سال از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ نشان می‌دهد چشمه مذکور تحت تاثیر رودخانه فصلی مه‌ران نبوده و وجود دو حلقه چاه پیرومتر اندازه‌گیری شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس در دو سوی چشمه مذکور، منشاء آب از سازنده‌های تبخیری گروه فارس و از ارتفاعات مجاور بوده و به نحوی که عمق سطح آب در اطراف چشمه حدود یک متری سطح زمین است در حالی که عمق سطح آب در رودخانه مه‌ران به صورت زهکشی دشت و حدود ۲ متری است. در فصول بارندگی که از دی ماه شروع شده و تا فروردین ادامه دارد چشمه مذکور در ماکزیمم ابدی است به نحوی که تا شعاع ۱۵۰۰ متری اطراف چشمه تحت تاثیر قرار گرفته و تصویری بیضوی از دریاچه‌ای فصلی به قطر حدود ۲۵۰۰ متر با حوضچه‌های متعدد حاصل از رسوبات نمکی و ترکیبات رنگی مختلف بوجود می‌آورد. ترکیبات شیمیایی غالب سولفات‌ها بوده و نمک‌های رسوبی بجا مانده، ترکیبات شیمیایی مختلفی از جمله اکسید آهن و منگنز